

مشاور یه لیوان آب برداشت و ریخت رو زمین. وقتی آب ریخت، به خانم و آقا دو تا ابر اسفتجی داد تا آبی که ریخت رو از روی زمین جمع کنن و تو لیوان بریزند.

زن و شوهر متعجبانه این کارو کردند و بعد نشستند.

مشاور گفت: خوب لیوان رو بگذارید رو میز و کمی صبر کنید. بعد از کمی سکوت مشاور گفت ببینید: شما همه آب ریخته شده رو نتونستین جمع کنین.

آب کمی هم که با اسفنج جمع کردین گل آلود شد، البته الان بعد مدتی کمی ته نشین شد اما زلالی قبلو نداره. با هر بار که کمترین تکانی لیوان می خوره، آب دوباره گل آلود می شه و باز باید صبر کنین که ته نشین بشه. آیا می شه به نبودن میکروب توی این آب اطمینان داشت؟

این دقیقا زندگی ما آدمهاست. گاهی با یه رفتار شتاب زده و غیر منطقی و عجولانه یه تصمیم اشتباه می گیریم؛ مثل اون آب می شه که ریخته، اما بعد سعی می کنیم جمعش کنیم و اون تصمیم اشتباه رو حل، اما خیلی زمان می بره تا آب گل آلود جمع شده از رو زمین زلال بشه! یعنی زمان می بره تا اون رفتار بد رو فراموش کنیم.

لیوان مثل قبل آب نداره، کمتر شده، یعنی ظرفیت قبلو نداریم!! چون یکبار از ظرفیتمون کم شده و با کمترین تکونی دوباره آب گل آلود می شه و اینبار خیلی زمان می بره که دوباره آب زلال بشه، یعنی دوباره بتونیم همو تحمل کنیم. پس سعی کنیم زود و شتاب زده تصمیم نگیریم. شاید دیگه فرصت نباشه آب ریخته شده را جمع کنیم.

سعی کنیم حرفهایی که زندگیمونو گل آلود می کنه نزنیم.

سعی کنیم زندگی رو مثل شستن لیوان و پر کردن آب تمیز و زلال همیشه تمیز و با نشاط نگه داریم.